

نقل از روزنامه آلمانی موسوم (بشرق جدید)

در روزنامه شرق جدید آلمانی مشروحه ذیل بقلم مستشرق دانشمند و فاضل محترم جناب جورجی لئون لشنجسکی دیده شده که در ترجمه يك قطعه فارسی نظماً يك قطعه آلمانی بتصدیق اهل خبره داد هنرمندی را داده‌اند و ما در مقابل عین مشروحه فاضل معزی الیه ترجمه فارسی آنرا طبع مینمائیم که کسانی که آلمانی را نیکو میدانند از مطالعه آن بهرمنند گردند

ارمغان

مشروحه جناب جورجی لئون

اول مجدد ادبیات و یکی از مهمترین و بلند پایه ترین دانشمندان ایران آقای حاجی میرزایحیی دولت آبادی است آقای معظم له شرافت این مقام را تحصیل نکرده مگر در سایه شدت کار و خدماتی که بمعارف و تعلیمات و ادبیات مملکت خود نموده

در سنه ۱۹۰۲ انجمن شرکت طبع کتب همان انجمن که برای طبع و نشر کتب مفیده علمی و ادبی و ترجمه های نافع تأسیس شده بود آقای مشارالیه یکی از فعالترین اعضای آن بود آقای معظم له در جریده بامداد طهران و سروش قسطنطنیه شرکت قلمی مینمود هنگامیکه کنگره نژادی بین المللی در سنه ۱۹۱۱ در لندن تأسیس شد آقای حاجی میرزا یحیی بنمایندگی ایران در آنجا معرفی شدند در همین جنک بین المللی آقای مشارالیه بالمان آمده از اینجا به

مملکت سوئد رفته در شهر اوبسالا کنفرانسهای متعدد داده .

آقای معظم له علاوه بر آثار ادبی خود از ادبیات فرانسه از اشعار ویکتور هوگو دوما قنارن و غیره ترجمه ها و نقلیات نیکو دارند .

از آثار مخصوصه خودشان قطعه ذیل است که ترجمه میشود

« بلبل و باغبان »

بیباغ آمده بلبل بیتوا	که هستی بگو آمدی از کجا؟
بدینجا چرا گشته رهسپار	درین بوستان با که داری تو کار
مرا عشق اینجا فرستاده است	نوید وصالی بمن داده است
رسانده است بیک نسیم بهار	دماغ مرا بوئی از وصل یار
درین بوستان چون تو جنبنده نیست	زنوع تو حیوان پرندانه نیست
تواند که تا یار باشد ترا	باو تا سر و کار باشد ترا
ز پرندگان گس مرا یار نیست	مرا با بنی نوع خود کار نیست
همانا تو نو باغبانی مگر	که از حال و کارم نداری خبر
ندانم رسد تا که یاری بیار	بروید گل و بشکفد نوبهار
ندانم که هر جا بروید گلی	شود منزل بی نوا بلبل
من و گل نبودیم اگر در جهان	نه این باغ بود و نه تو باغبان

